

ادب و آداب کنش سیاسی

علی معنوی

1

روزی لئون تولستوی در خیابانی راه می‌رفت که ناآگاهانه به زنی تنه زد. زن بی‌وقفه شروع به فحش دادن و بدوبی‌راه‌گفتن کرد. بعد از مدتی که خوب تولستوی را فحش مالی کرد، تولستوی کلاهش را از سرش برداشت و محترمانه معذرت‌خواهی کرد و در پایان گفت: مادمازل من لئون تولستوی هستم. زن که بسیار شرمگین شده بود، عذرخواهی کرد و گفت: چرا شما خودتان را زودتر معرفی نکردید؟ تولستوی در جواب گفت: شما آن‌چنان غرق معرفی خودتان بودید که به من مجال این کار را ندادید. نتیجه‌ی اخلاقی می‌گیریم که بر هر گفتار و نوشتار و رفتار و کردار آدمی ادب و آدابی مترتب است که تبلور و تجلی شخصیت اوست. به بیان دیگر، و با بهره‌ای آزادانه از آموزه‌های ویتگنشتاین، بر هر بازی زبانی و غیرزبانی آدمیان قاعده‌ای حاکم است که بدان صورت و سیرت معنایی و ارزشی می‌بخشد و آن را از سایر بازی‌ها متمایز و متشخص می‌دارد. با برخی دیگر از اندیشه‌ورزان، می‌توان گامی به پیش نهاد و بر این ایده تاکید ورزید که، حتی ادب و آداب‌هایی از جنس مذهب، علم، هنر و اخلاق نیز، رسالتی جز نظم‌دادن به واقعیت‌هایی که در جوهرشان هرج و مرج و بی‌نظمی محض حکفرما است، و شکل‌دادن به جهان و تبدیل کردن آن به چیزی قابل درک برای ذهن انسان، ندارند. از این‌رو، انسان‌ها از دیرباز کوشیده‌اند تمامی کنش‌ها و واکنش‌های فردی و جمعی خود را به زیور ادب و آدابی خاص بیارایند و اهل و ناهل، خودی و دیگری، دوست و دشمن، بد و خوب، زشت و زیبا، باید و نیاید، و... خود را به معیار آنان بسنجند.

2

زمانی آیزایا برلین این پرسش کانتی را مطرح ساخت که «در چه عالمی نظریه‌ی سیاسی امکان‌پذیر خواهد بود؟» پاسخی که خود برلین بدین پرسش داد، آن بود که این امر تنها در عالمی که غایات با یکدیگر برخورد می‌کنند، ممکن می‌شود. پوپر، با عنایت به این نکته، همواره کوشیده است تا وسایلی را بیابد که از برخورد میان غایات در جهانی که با شتاب به سمت کثرت‌گرایی در حرکت است، جلوگیری کند. آموزه‌ی اصلی او در این زمینه را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: جنگ با کلام نه با شمشیر برکشیده از نیام. بی‌تردید، عرصه‌ی سیاست، عرصه‌ی برخورد غایات، ایدئولوژی‌ها، گفتمان‌ها، برنامه‌ها و راهبردها، منش‌ها و روش‌ها نیز هست، چرا که عرصه‌ی سیاست و قدرت، چندان شباهتی به مرغزارهای آرام و مفرح ندارد، و نمی‌توان روح سرکش آن را با مهمیز ادب و آدابی محکم و قدسی رام کرد. اما این «برخورد» ضرورتاً نباید با «شمشیرهای برکشیده از نیام» باشد، بلکه همواره می‌تواند در قالب رقابتی کلامی و گفتمانی

جلوه کند. در این صورت، رقابت و تسابق سیاسی نیز، جز در پرتو نوعی قاعده‌مندی ممکن نمی‌گردد. به دیگر سخن، بر هر بازی سیاسی، هم‌چون هر بازی زبانی، ادب و آدابی حاکم است. سیاست، از زمانی جامعه‌ی هستی بر تن می‌کند که انسان‌ها قرارداد می‌کنند که با تمامی گوناگونی و تکثرشان، دوران طبیعی را که در آن «جنگ همه علیه همه» حکفرما بود و انسان گرگ انسان تعریف می‌شد، پشت سر نهند و در پرتو نظم و قانون، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته، به منافع خود بیندیشند و برای متحقق کردن این منافع، رقابت و چالش‌های خود را سامان دهند.

3

اکنون اگر بخواهیم از این منظر نظری بر کنش‌های سیاسی در جامعه‌ی ایرانی امروز داشته باشیم، چه می‌توانیم بگوییم؟ خیلی چیزها، از جمله می‌توانیم بگوییم: کنش سیاسی در جامعه‌ی ما، متأسفانه برخلاف آن‌چه در یک جامعه‌ی دینی انتظار می‌رود - اگرچه نه کاملاً و نه در مورد تمامی کنش‌گران سیاسی - اما در مجموع کنشی بی‌فرهنگ و بی‌ادب و بی‌اخلاق است. بسیاری از بازیگران سیاسی ما هنوز در دوران صغارت و طفولیت فرهنگی به سر می‌برند و از ادب و آداب بازیگری در عرصه‌ی سیاست که نشانه‌ی بلوغ، حرفه‌ای بودن، هوشیاری، دل‌بیداری و انطباق اندرونی و بیرونی یک سیاست‌پیشه‌ی راستین است بهره‌ای نبرده‌اند، و هنوز نیاموخته‌اند که به تیغ ادب می‌توان «چندین حلق را واخرید از تیغ و چندین خلق را»، و نیاموخته‌اند که «تیغ ادب از تیغ آهن تیزتر، بل ز صد لشکر ظفرانگیزتر» است. از این‌رو، برای کسب و حفظ قدرت، نه تنها بی‌محابا و بی‌آداب و ادب، حریم‌های خصوصی یکدیگر را بی‌حرمت می‌کنند، بلکه به خزانه‌های احساسات و عواطف و ارزش‌ها و باورهای مردم هجمه می‌آورند و از عمارت‌های ارزشی آنان ویرانه‌ای می‌سازند. اینان آماج فرجامین کنش سیاسی خود را کسب و حفظ قدرت به هر وسیله‌ی ممکن قرار داده‌اند، اما هر گام و نیم‌گام خود در این مسیر و به‌سوی این هدف را به‌نام نامی مردم متبرک و معتبر می‌سازند، و اراده‌ی معطوف به قدرت خود را در عمیق‌ترین لایه‌های اعتقادی و ارزشی مردم قرار می‌دهند. تجربه‌ی تاریخی به‌ما می‌گوید، این‌گونه کنش‌گران سیاسی تنها با یک گام از خود برون‌شدن و یک گام به سیاست مودب به آداب نزدیک شدن می‌توانند حوالت تاریخی خود را تغییر دهند.